

فرهنگ عامّه سفید شهر

مجموعه‌ای از لغات، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، شعرهای محلی، آداب و رسوم ادبی و تصاویر خاطره‌انگیز از سفید شهر (نصرآباد کویر)

مؤلف:

حسن صفری

انتشارات مجلس افروز

سرشناستامه: صفری، حسن، ۱۳۵۲.

عنوان و نام پدیدآورنده: فرهنگ عامه سفیدشهر (مجموعه‌ای از لغات، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، شعرهای محلی، آداب و رسوم قدیمی و تصاویر خاطره‌انگیز از سفیدشهر (نصرآباد کویر))
مؤلف: حسن صفری.

مشخصات ناشر: آران و بیدگل: مجلس افروز، ۱۳۹۴.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۴۲۴-۵-۷

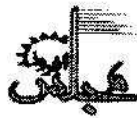
وضعیت فهرست نویسی: فیبا (چاپ اول، ۱۳۹۴).

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۴۸

موضوع: فرهنگ عامه- ایران- سفیدشهر

رده بندی: کنگ GR ۱۳۹۳۲۹۱ ص ۷ ص ۷ /

رده بندی دیو: ۳۹۸، ۹۵۵۰



* فرهنگ عامه سفیدشهر

* مؤلف: حسن صفری

* ویراستار: محمد غلامی

* حروف‌نگاری: مهدی صفری

* چاپ اول / ۱۳۹۴ / ۱۰۰۰ تیراژ

* چاپخانه: آبتوس

* شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۴۲۴-۵-۷

* حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.

* قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱- آران و بیدگل، بلوار مطهری، کوی حکمت ۴، انتشارات پیام امین، تلفن: ۵۴۷۵۲۸۵۹ (۰۳۱)

۲- سفیدشهر، فروشگاه ولایت، تلفن: ۵۴۸۳۳۳۳۲ (۰۳۱)

۳- کاشان، چهار آیت الله کاشانی، خانه کتاب کاشان، تلفن: ۵۵۴۵۰۳۱۳ (۰۳۱)

۴- کاشان، بلوار باهنر، کوی شهید متقی، پلاک ۵۴، مجتمع فرهنگی راه روشن، انتشارات مجلس افروز

کد پستی: ۸۷۱۴۹۱۴۷۱۳ تلفن: ۵۵۵۴۸۸۴۳ (۰۳۱)، ۹۱۳۲۷۷۸۱۲۴

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
* بخش اول: کلیات.....	۱۹
سفیدشهر.....	۲۰
قدمت.....	۲۰
وجه تسمیه.....	۲۱
جمعیت.....	۲۲
موقعیت اقتصادی.....	۲۲
موقعیت جغرافیایی.....	۲۳
مشاهیر.....	۲۳
* بخش دوم: لغات و اصطلاحات سفیدشهری.....	۲۵
آوانگاری.....	۲۶
فصل اول: خانواده.....	۲۷
- نسبت ها.....	۲۸
- عروسی و ازدواج.....	۳۱
- حاملگی و زایمان.....	۳۳
- کودک و نوزاد.....	۳۵
- پوشاک.....	۳۷
- شستشو و استحمام.....	۴۱
- اعضاء و جوارح انسان.....	۴۵
- طب عامیانه و بیماری ها.....	۴۷
فصل دوم: آیین ها و باورها.....	۵۱

۶۹	فصل سوم: مشاغل
۷۰	- قالی بافی
۷۶	- کشاورزی
۹۳	- بنایی
۹۶	- دامداری
۱۰۴	- آشپزی
۱۱۳	- سایر مشاغل و اصطلاحات شغلی
۱۱۴	فصل چهارم: بازی‌ها
۱۲۰	فصل پنجم: خانه
۱۲۸	فصل ششم: سبب اشیاء - ابزارها
۱۳۱	فصل هفتم: ابنیه و مناطق
۱۴۲	فصل هشتم: طبیعت و اقلیم
۱۴۳	- طبیعت
۱۵۱	- آب و هوا
۱۵۲	فصل نهم: افعال
۱۶۶	فصل دهم: صفت‌ها
۱۷۳	فصل یازدهم: قیدها
۱۷۹	فصل دوازدهم: اشاره‌ها
۱۸۱	فصل سیزدهم: مقدار و اندازه
۱۸۵	فصل چهاردهم: زمان
۱۸۸	فصل پانزدهم: مرکب اتباعی
۱۹۰	فصل شانزدهم: اسامی خاص
۱۹۳	تصاویر

۲۴۱	* بخش سوم : فرهنگ شفاهی سفیدشهر
۲۴۲	فصل اول: ضرب‌المثل‌ها
۲۶۹	فصل دوم: کنایه‌ها
۲۹۶	فصل سوم: پندها و اندرزها
۳۰۱	فصل چهارم: دعاها و قسم‌ها
۳۰۴	فصل پنجم: نفرین‌ها
۳۰۷	فصل ششم: نساها
۳۱۵	فصل هفتم: زبان زنگری
۳۲۰	فصل هشتم: ترانه‌ها
۳۲۱	- ترانه‌های مذهبی
۳۳۳	- ترانه‌های کودکان
۳۳۴	متل‌ها
۳۴۱	لالایی‌ها
۳۴۶	- ترانه‌های کار
۳۵۱	- ترانه‌های مادرانه و عاشقانه
۳۸۲	- سایر ترانه‌ها
۳۹۱	* بخش چهارم: داستان و افسانه
۴۰۰	* بخش پنجم: فرهنگ ایثار و شهادت در سفیدشهر
۴۳۸	منابع و مآخذ

پیشگفتار

فرهنگ عامه به مجموعه‌ای از هنرها، آداب و رسوم، آیین‌ها، روایات و باورهای عامیانه، شامل: افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ترانه‌ها، مثل‌ها و ... اطلاق می‌گردد که در طی سال‌ها و قرون متمادی پیاپی به سینه و نسل به نسل به صورت شفاهی نقل شده و در فرهنگ عمومی جامعه بقا یافته است. مجموعه‌ی حاضر با هدف معرفی فرهنگ عامه سفیدشهر تهیه شده و در آن به فرهنگ عمومی و قدیمی این شهر از گذر واژه‌ها، اصطلاحات، اشارات محلی، مثل‌ها و ... اشاره شده است.

این مجموعه از پنج بخش تشکیل شده است که عبارتند از: بخش اول شامل کلیات، مطالبی درباره‌ی سفیدشهر (نصرآباد کویر)، قدمت شهر، جمعیت، موقعیت اقتصادی، جغرافیایی و مشاهیر آن است.

بخش دوم: لغات و اصطلاحات سفیدشهری، شامل: ۱۳۰۰ لغت و اصطلاح محلی در موضوعات مختلف از جمله: خانواده، آیین‌ها (آداب و رسوم)، مشاغل، مناطق، اقلیم و ... است.

بخش سوم: فرهنگ شفاهی سفیدشهر، متشکل از کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های خاص سفیدشهری (بیش از ۲۰۰ کنایه و ضرب‌المثل)، دعاها، قسم‌ها، نفرین‌ها، ناسزاها، ترانه‌ها اعم از: ترانه‌های مذهبی، ترانه‌های کار، ترانه‌های کودکان، ترانه‌های مادرانه و عاشقانه که

شامل بیش از ۲۰۰ شعر محلی است و یکی از مهم‌ترین و زیباترین بخش‌های فرهنگ عامیانه‌ی سفیدشهر را تشکیل می‌دهد. بخش چهارم: داستان و افسانه و بخش پنجم هم فرهنگ اینار در سفیدشهر همراه با تصاویر مرتبط و قدیمی است.

بخش زیادی از واژه‌ها و اصطلاحات که در این کتاب ذکر شده فقط در سفیدشهر کاربرد دارد و ریشه‌ی آن‌ها در تاریخ و لهجه‌ی این شهر نهفته و سعی شده موارد عمومی و رسمی که در لهجه‌ی مردم محل با تغییراتی جزئی استفاده می‌شود ذکر نگردد، با وجود آن که تعداد این لغات بسیار زیاد است و ثبت آن‌ها نیز در جای خود و در مجموعه‌ای دیگر لازم و ضروری است.

برای اطمینان از حذف بودن مطالب، پس از دریافت و جمع‌آوری آن‌ها با بررسی در لغت‌نامه‌های ده‌گانه معنی و کتب رسمی دیگر، موتورهای جستجوگر اینترنتی، پرس و جو از افراد مطلع و اساتید مربوط در این مجموعه ثبت شده است. برای تشریح و توضیح کلمات و عبارات، علاوه بر معنی و تفسیر آن حتی‌الامکان مثالی نیز ذکر شده و صدا و آوای حروف، نگارش رسمی و تلفظ عبارت‌ها، قبال به صورت حروف انگلیسی (فونتیک) آورده شده است.

برخی از اصطلاحات رسمی و عمومی زبان فارسی که در محاوره‌ی مردم این محل، تحت تأثیر لهجه‌ی سفیدشهری، علاوه بر تغییر در نحوه‌ی بیان، معانی آن‌ها نیز تغییر کرده و ماهیتی جدید پیدا نموده در اینجا ذکر شده است.

بخشی از موارد و موضوعات ذکر شده در این مجموعه، در شهرها و روستاهای همجوار سفیدشهر نیز استفاده می‌شود که ثبت این اصطلاحات برای بیان چگونگی و نحوه‌ی تلفظ آن‌ها در لهجه سفیدشهری لازم بوده است؛ چرا که تا مسافت زیادی در مناطق همجوار با وجود لهجه‌های مختلف؛ لغات، اصطلاحات، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مشترک محلی به وفور یافت می‌شود، اما منشأ پیدایش این موارد مشخص نیست. بنابراین نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و به ثبت آن‌ها اقدام نکرد؛ زیرا اگر همه‌ی مناطق همجوار در هنگام جمع‌آوری و ثبت لغات محلی خود، واژه‌های مشترک با مناطق اطراف خود را حذف کنند،

در نهایت منجر به عدم ثبت این واژه‌ها در تمامی آثار مشابه می‌گردد و به تدریج از یادها می‌رود. بنابراین تعدادی از واژه‌های مشترک با مناطق اطراف، در این مجموعه ذکر شده است تا به عنوان اثری از کل منطقه که حامل گوشه‌ای از بار فرهنگی و رسوم مشترک محل است، در اینجا ثبت گردد.

در طول چند سالی که جمع‌آوری مطالب این کتاب طول کشید، افراد و خانواده‌های زیادی همکاری نمودند که اگر مساعدت آن‌ها نبود، امکان تهیه‌ی آن بدین شکل و با این حجم میسر نمی‌شد. جا دارد از کمک‌های بی‌دریغ تمام کسانی که یاری نمودند به ویژه از آقایان اسد بنیا (استاد ادبیات)، عباس ترابزاده (کارشناس ارشد مردم‌شناسی)، دکتر صفری، سید حسن باغی‌نژاد، محمد غلامی نصرآبادی، مهدی صفری، و همچنین کمک‌های مستمر خانواده‌ی ام و خانواده‌های محترم صفری، حسن آقایی و گندمی و تمام همشهری‌های خوب فرهنگ دوستم سپاسگزاری نمایم.

مسلماً این تحقیق و پژوهش فقط یک مقدمه است که انشاء الله شروع و سرآغاز تحقیق‌های بزرگ و جامع‌تر در زمینه‌ی فرهنگ و پیشینه‌ی این منطقه گردد و مورد توجه اهل ادب و فرهنگ و همشهریان گرامی قرار گیرد.

چنانچه خوانندگان محترم پیشنهاد یا انتقادی دارند می‌توانند از طریق شماره تماس ۰۹۱۳۲۶۴۶۲۲۰ و یا ایمیل hsafari@chmail.ir به اطلاع ما رسانند.

اللهم عجل لولیك الفرج

حسن صفری

خرداد ماه ۱۳۹۴

مقدمه

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ لَهُ عَلامَ خَيْرٍ»^۱

با توجه به آیهی فوق، بشک خداوند برای سازمان یافتن اجتماع بشر یک نوع گوناگونی در اجزای ظاهری جوامع انسانی از قبیل لهجه، زبان، آداب و رسوم و رنگ پوست قرار داده است.

از دیگر نشانه‌های عظمت خداوند آن است که روح واحد هر جامعه و هویت جمعی آن‌ها را نیز از دل همین تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها و تک‌تک افراد آن شکل می‌دهد. هویت جمعی که بالاترین سطح هویت در یک جامعه است، یک سو نوعی همبستگی و انسجام بین اعضای جامعه ایجاد می‌کند و از طرف دیگر، جامع را از هم متمایز می‌کند. مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت‌سازی هر جامعه نیز فرهنگ آن است که در این بین فرهنگ عامه یا عامیانه با عناصر و مختصات خاص خود نقش ویژه و مهمی دارد. سنت‌هایی که فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) سنت‌های مادی ب) سنت‌های رفتاری ج) سنت‌های گفتاری

۱. ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست. حجرات، آیه ۱۳.

الف) سنت‌های مادی: به مجموعه آثار، اشیاء، کالاهای بناها و ابزارهایی گفته می‌شود که از گذشته بر جای مانده است. این بخش از آن حیث که معرف نوع افکار و احساسات و الگوهای رفتاری نسل‌های گذشته و جنبه‌های سنتی جامعه کنونی است، جزئی از فرهنگ عامه به شمار می‌آید.

ب) سنت‌های رفتاری: مجموعه رفتارهایی که در جامعه، میان عده‌ی زیادی از افراد مشترک است و نوعی فشار اجتماعی برای اجرا و عمل کردن به آن‌ها وجود دارد و جنبه‌ی غیر شخصی و الگویی دارد. سنت‌های رفتاری ریشه در نظام ارزش‌ها و باورهای جامعه دارند و برای جامعه مهم تلقی می‌شوند، اما میزان اهمیت آن‌ها یکسان نیست. می‌توانیم سنت‌های رفتاری را به این صورت طبقه‌بندی کنیم:

۱- شعائر و تداوم‌ها، ۲- رسوم، ۳- جشن‌ها و اعیاد، ۴- آیین‌ها، ۵- بازی‌های عامیانه، ۶- عرف و عادات اجتماعی، ۷- مودستی

ج) سنت‌های گفتاری: مجموعه سنت‌هایی است که در قالب کلمات و جملات اظهار می‌شوند. این سنت‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش‌ها، فلسفه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای یک جامعه دارند. در واقع، ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و واقعیت‌ها دارد اخذ می‌کند، نه از جنبه‌ی هنری و زیبایی‌شناسی. به عبارت دیگر، مسئله‌ی اساسی در ادبیات عامیانه، ویژگی‌های اجتماعی آن است، نه ویژگی‌های هنری.

جنبه‌های اجتماعی ادبیات عامیانه را می‌توان به صورت زیر توضیح داد:

۱- ادبیات عامیانه در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی و کلاسیک به صورتی ساده و آرام جریان داشته است، ولی در کتاب‌های تاریخ ادبیات به ندرت نامی از آن‌ها به میان می‌آید؛ زیرا ادبیات عامیانه تعلق به عوام و توده‌ی مردم دارد که امکان و اختیار یا توان نوشتن نداشته‌اند.

۲- ادبیات عامیانه، ادامه‌ی کار و فعالیت و زندگی مردم است. بنابراین جنبه‌ی تفریحی و تجملی ندارد، بلکه مکمل عمل و وسیله‌ای برای ارتقاء زندگی محسوب می‌شود. وابستگی ادبیات عامیانه به زندگی و واقعیت اجتماعی، آن را به ادبیات واقع‌گرا مبتدل می‌سازد.

۳- ادبیات عامیانه، ساده و بی‌پیرایه است؛ زیرا از زندگی مردمی سرچشمه می‌گیرد که هنگام سخن گفتن جز بیان مطلب غرضی ندارند و از سوی دیگر، اگر ادبیات عامیانه دشوار و پیچیده باشد، درست به زبان جاری نمی‌شود و به سهولت از یاد می‌رود، در نتیجه امکان انتقال شفاهی آن از طریق سینه به سینه و نسل به نسل از میان می‌رود و به تدریج فراموش می‌شود، ناگزیر بی‌تکلف است.

۴- ادبیات عامیانه طبیعت‌گرا و متأثر از طبیعت است؛ زیرا مردم در طبیعت زندگی می‌کنند و مدام در حال هم‌زیستی یا مبارزه با آن هستند و به این ترتیب، حتی نوع حیوانی که غلبه بر مردم رنجبر روستایی است، گاو قوی یا الاغ بارکش است نه گاو خوش خط و خال یا گاوهای زیبای اسب مسابقه.

۵- ادبیات عامیانه عوامی است؛ زیرا انعکاسی از مبارزه‌ی مداوم مردم با ستمگران است و یا آن که انعکاسی از ارزش‌های حق‌طلبانه و عدالت‌خواهی است.

۶- ادبیات عامیانه همگام با مقتضیات سلیقه‌ها دگرگون می‌شود؛ زیرا همواره حوادث و شرایط جدیدی به وجود می‌آید که اگرچه تغییراتی بطنی و کند است، ولی ثبات همیشگی ادبیات عامه را بر هم می‌زند و پیوسته آن را تغییر می‌دهد.

- گونه‌های ادبیات عامیانه:

الف) داستان‌های عامیانه

داستان‌ها و افسانه‌ها جزء کهن‌ترین آثاری است که از اندیشه و تخیل بشر به جای مانده است.

ب) اشعار عامیانه:

دومین بخش مهم ادبیات عامیانه فارسی را اشعار عامیانه تشکیل می‌دهند که شامل: مجموعه گفتارهای منظومی است که به مناسبت‌های مختلف در حین کار و فعالیت، جشن‌ها، آیین‌ها و سوگواری‌ها در هنگام بازی و تفریح و یا برای خواب کردن کودکان و سرگرم کردن آن‌ها و یا به صورت ترانه‌های محلی همراه با موسیقی سنتی خوانده می‌شوند. این اشعار که اغلب سرایندگان نامعلومی دارند، ترکیبی از واژه‌های ساده و قابل

فهم برای عامه‌ی مردم و دارای آهنگی خاص هستند. اشعار عامیانه، معرف روحیات و افکار توده‌ی مردم و برخاسته از نیازهای طبیعی روزمره‌ی آن‌ها می‌باشند.

لالایی‌ها، ترانه‌ها و اشعار مذهبی از انواع اشعار عامیانه محسوب می‌شوند. لالایی‌ها نقش مهمی در اجتماعی شدن کودکان ایفا می‌کنند به نحوی که می‌توان گفت؛ اهداف و ارزش‌ها و خواسته‌های خانواده و جامعه از طریق آن‌ها به کودکان منتقل می‌شود. همچنین از آنجا که لالایی‌های فارسی عموماً به صورت محاوره‌ای و آمیخته با گویش محلی مناطق مختلف کشور می‌باشند، به زبان‌آموزی کودکان کمک می‌کنند.

مرثیه، نوحه، مولودیه و مدایح مذهبی از انواع اشعار عامیانه‌ی مذهبی هستند که نام برخی از آن‌ها در ادبیات رسمی ما معلوم و مشخص است. لیکن شعرهای مذهبی بسیاری نیز وجود دارند که شاعران آن‌ها ناشناخته‌اند. نوحه‌ها و مرثیه‌هایی که به مناسبت ایام عاشورا و دربارهِ کربلا سرود، شده‌اند، مهم‌ترین اشعار مذهبی عامیانه محسوب می‌شوند. ترانه‌ها بخش دیگری از اشعار عامیانه‌اند که پیام آن‌ها عشق و دوستی و شرف است و به علت وجود آهنگ یا سازی که آن‌ها را همراهی می‌کند، برای روستائیان و عامه نه تنها موجب سرگرمی و یا ارضاء معنوی و هنری می‌شود، بلکه به مثابه یک نیاز واقعی است که با حرکات روزمره پیوندی نزدیک دارد.

ج) زبان عامیانه:

سومین بخش از ادبیات عامه را «زبان عامیانه» تشکیل می‌دهد، که کاربردهای بسیاری نیز دارد و در حقیقت یک نوع استفاده‌ی ساختگی از زبان محسوب می‌شود و نه تنها شامل مفاهیم لغوی است، بلکه مواردی مانند کنایه‌ها، مثل‌ها و دعاها و ... را هم شامل می‌شود. همان طور که زبان مکتوب ممکن است قواعد و سبک‌های خاص خود را داشته باشد، زبان عامیانه نیز با کاربرد عبارات و اصطلاحات و شیوه‌های بیانی خاص خود شکل می‌گیرد و اصولاً یکی از ویژگی‌های آن متعلق بودن به جامعه و گروه خاصی است، به نحوی که بین تمام اعضای آن جامعه یا گروه مشترک است.

بی‌تردید زبان گویش و لهجه‌ی هر محل یکی از عوامل اصلی شناخت و بیان احساسات و معنویات آن جمع و جامعه به شمار می‌آید و یکی از پایه‌ها و اصول حفظ، دوام و قوام فرهنگ هر منطقه، لهجه یا نحوه‌ی گویش و آوای بیان کلمات و سخنان و حروف مردم آن منطقه و محل است.

میدان عمل لهجه محلی را نه تنها در ایجاد ارتباط بین افراد یک محل که در قابلیت اندیشیدن، شکل‌گیری شخصیت، ساخت هویت فردی و اجتماعی، شناخت هنجارها و ناهنجاری‌های یک جامعه هم می‌توان مشاهده کرد.

مرحوم ملک الشعرای بهار درباره‌ی اهمیت لهجه‌ها می‌نویسد: «در زبان دری و پهلوی و همچنین اوستا و سانس و قدیم، دقایق و لطایفی است که مربوط به طرز تکلم و اختصاصات لهجه‌ای است. به محض این که یکی از آن لهجه‌ها متروک گردیده، آن دقایق و لطایف و ویژگی‌ها، لهجه‌ها نیز ترک شده و از میان رفته است.

چه از روی خط و ترتیب هرگز نمی‌دان به دقایق لهجه و طرز بیان و گفتاری زبان آشنا گردید؛ چنان که ما امروز درست نمی‌دانیم که الفاظ کتیه‌های هخامنشی و عبارات اوستا و رسالات پهلوی با چه حرکات و آهنگی ادا می‌شده و تکیه‌ی صوت و آهنگ هر کلمه در کجایش قرار می‌گرفته و از گیت‌نند و کندی حروف مصوّته چه حالتی داشته و حرکات اواخر لغات که گاهی مفتوح و گاهی مسطور و گاهی بدون اشباع است تا چه اندازه مقرر بوده است؛ زیرا تجوید و قرائت خاصی از طرف عامای قرائت و نحو زبان فارسی باقی نمانده است.

همین حکم را دارد زبان دری که هنوز زنده است؛ چه ما درست نمی‌دانیم که فردوسی، اشعار خود را چگونه می‌خوانده است و اگر هم از روی قواعد علم لغت قسمی را بدانیم، به جزء به جزء آن قواعد آشنا نیستیم. معذک به همراهی آهنگ‌های شعری و به قرینه‌ی لهجه‌های محلی تا اندازه‌ای می‌توانیم به حقایقی آشنا شویم^۱.

بنابراین شناخت زبان و نمود آوایی آن، یعنی گفتار و لهجه از این جهت ضروری به نظر می‌رسد.

برای فهم تفاوت زبان و گویش با لهجه می‌توان گفت؛ وقتی در زبان یا گویشی واحد به دلایل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، مردمی، گفتار خود را متفاوت از گفتار مردم منطقه‌ای دیگر ادا کنند، این اختلاف را که عمدتاً آوایی و واجی است و با آهنگ خاصی ادا می‌شود؛ لهجه گویند، مثل لهجه‌های یزدی، کاشانی، قمی، نصرآبادی، آرائی، نوش‌آبادی و... که همگی لهجه‌های زبان فارسی با گویش مشترک این مناطق هستند و سخن‌گویان آن‌ها سخنار بند، گر را به درستی متوجه می‌شوند.

بنابراین در نص آباد و مناطق همجوار، تفاوت زبان و گویش وجود ندارد بلکه لهجه‌های متفاوت مشاهده می‌شود که با واکاوی در لهجه و فرهنگ عامه مردم این منطقه که از قدمتی کهن و چندین هزار ساله برخوردار است، می‌توان واژه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و اشعار اختصاصی زیادی پیدا کرد.

حفظ این اثر معنوی و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است، به خصوص در زمانه‌ی فعلی که رسانه‌های جدید ناخودآگاه یا آگاهانه در حال فرهنگ‌سازی و یکسان‌سازی فرهنگی هستند و بسیاری از یادگارها و منابع هرین اختصاصی جوامع کوچک در معرض نابودی و فراموشی قرار گرفته است، ثبت این میراث گاه‌ها از جمله گام‌های اولیه و مهم برای ماندگار کردن آن است.

البته ناگفته نماند ثبت و مکتوب کردن فرهنگ عمومی یک محل، همان‌طور که از فوائد فوق در خودشناسی اجتماعی آن جامعه و در آسیب‌شناسی فرهنگ عمومی و ساختارهای زندگی اجتماعی هر منطقه مفید و مؤثر بوده و می‌تواند به عنوان یکی از ابزارها و منابع مهم در تحقیقات جامعه‌شناختی هر محل نیز مورد استفاده قرار گیرد.